

هو

۱۲۱

زاهدنامه

(سیر زندگی و احوالات شیخ زاهد گیلانی)

مدرس السادات علوی

مقدمه: دکتر سید سلیمان صفوی



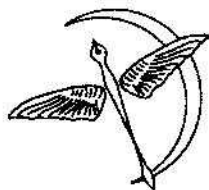
آکادمی مطالعات ایرانی لندن (LAIS)

انتشارات سلمان آزاده

شابک	978-600-5357-34-9
شماره کتابشناسی ملی	۲۶۶۵۹۲۲
عنوان و نام پدیدآور	زاهدنامه (سیر زندگی و احوالات شیخ زاهد گیلانی) / مهوش السادات علوی ؛ با مقدمه سیدسلیمان صفوی؛ آکادمی مطالعات ایرانی لندن (LAIS).
مشخصات نشر	قم: سلمان آزاده، ۱۳۹۶.
مشخصات ظاهری	۱۸۸ ص.
یادداشت	کتابنامه.
یادداشت	نمایه.
عنوان دیگر	سیر زندگی و احوالات شیخ زاهد گیلانی.
موضوع	شیخ زاهد گیلانی، ابراهیم، ۶۱۵ - ۷۰۰ق
موضوع	عارفان - سرگذشتنامه
موضوع	Mystics -- Biography
رده بندی دیویی	۲۹۷/۸۹۳۲
رده بندی شنگره	۱۳۹۶ ۱۳۹۴ش/ ۲ B۲۷۹
سرنوشت	علوی، مهوش السادات، ۱۳۲۷ -
شناسه افزوده	صفوی، سلمان، ۱۳۲۸ -، مقدمه نویسنده
شناسه افزوده	آکادمی مطالعات ایرانی لندن
شناسه افزوده	London academy of Iranian studies
وضعیت فهرستی نویسی	ف

زاهدنامه (سیر زندگی و احوالات شیخ زاهد گیلانی)

- مهوش السادات علوی
- چاپ اول: ۲۰۱۶ / ۱۳۹۶
- مقدمه: دکتر سیدسلیمان صفوی
- شمارگان: ۵۰۰ نسخه
- ناشر: انتشارات سلمان آزاده
- شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۳۵۷-۳۴-۹
- صفحه آرای: سیدمحمدعلی علوی، بهناز جهان بخش
- مرکز بخش: ۸۸۳۹۲۵۱۶-۰۲۱
- طرح جلد: محمدسعید نقاشیان
- www.iranth. on



انتشارات سلمان آزاده

فهرست

- ج مقدمه: دکتر سید سلیمان صدوق
۱ پیش در آمد
- ۷ فصل اول: ذکر خبر اولیاء الله در حضور ملائیکه العارفين شیخ زاهد گیلانی
- ۱۱ فصل دوم: ذکر نسب و ابتدای احوال شیخ زاهد گیلانی
- ۱۷ فصل سوم: ذکر وصال شیخ صفی الدین اردبیلی به حضرت مقصود و مرشد خویش
شیخ زاهد گیلانی
- ۲۳ فصل چهارم: ذکر اتحاد الفت صوری و معنوی شیخ زاهد گیلانی
با شیخ صفی الدین اردبیلی
- ۳۹ فصل پنجم: سخنان حکیمانه شیخ زاهد گیلانی و کلام شیخ
در باب شیخ صفی الدین اردبیلی
- ۴۵ فصل ششم: ذکر سفرهای شیخ زاهد گیلانی
- ۴۷ فصل هفتم: ذکر کرامات شیخ زاهد گیلانی
- ۸۳ فصل هشتم: ذکر رحلت شیخ زاهد گیلانی و کرامات شیخ قدس الله روحه
پس از رحلت به عالم باقی
- ۸۹ فصل نهم: روایاتی در مورد محل مقبره متبرکه که شیخ زاهد گیلانی قدس الله روحه
و کتبه آن
- ۹۷ فصل دهم: ذکر محبت و مودت شیخ صفی الدین اردبیلی با فرزندان شیخ زاهد گیلانی

۱۰۱	فصل یازدهم: ذکر شفقت و رحمت فرزندان شیخ صفی‌الدین اردبیلی با فرزندان شیخ زاهد گیلانی
۱۰۵	فصل دوازدهم: ذکر اولیای متصوفه
۱۴۳	منابع
۱۴۹	فهرست آیات
۱۵۱	نماینه
۱۵۹	تصاویر

مقدمه

خلاصه

شیخ زاهد گیلانی (۶۱۵-۷۰۰) از عارفان و صوفیای بزرگ ایران و طریقت سهروردیه؛ با ارشاد و تربیت شیخ صفی‌الدین اردبیلی نقش مهمی در تاریخ فرهنگ و تمدن ایران ایفا نمود. شرایط فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی ایران در قرن هفتم تحت تأثیر حمله مغول‌ها و استیلای آنها قرار داشت. در این دوره زاویه‌ها و خانقاه‌های صوفیه نقش مهمی در تأمین آرامش معنوی ملت ایران و تعدیل خوی وحشی مغولان ایفا کردند. چنان‌که سران مغول نیز به تدریج تحت تأثیر فرهنگ اسلامی مسلمان شدند و غازان‌خان مغول تحت تأثیر شخصیت عظیم عرفانی شیخ زاهد از دل‌بستگان حضرت شیخ صفی‌الدین اردبیلی شد. بدون تردید علمای دین و تصوف در جذب سلاطین مغول به اسلام، نقش برجسته‌ای ایفا کردند.

شیخ زاهد با فهم عوامانه برخی از دراویش از عرفان و تصوف، با تواضع و حسن کلام مبارزه می‌کرد و مُعرف عرفان معتدل مبتنی بر تعادل بین شریعت و طریقت بود. شیخ کرامات صوفیه را بر خلاف جهله صوفیه، تصرف در طبیعت نمی‌دانست، بلکه تحول خلاق صعودی روحی و سرسپردگی به حضرت حق و توانایی تبدیل مس وجود آدمی به طلای ناب را کرامت صوفیه می‌دانست. از نظر

شیخ زاهد بر صوفی است که به خلق مشغول نگردد و نظر به قبول و ردّ خلق نکند. اگر حق تعالی به طور اختصاصی از طریق الهام قلبی، نشانه‌های ملکوتی و یا توسط پیر راه دستور به دعوت داد، دعوت به عام یا خاص نماید، در غیر این صورت باید به کار و احوالات خویش پردازد و از ارشاد و تربیت سالکان دوری گزیند. این منش به نحو بارزی در احوالات سید جمال‌الدین، استاد شیخ زاهد که تنها سه مرید داشت و افاضه مقام ارشاد و مرشدیت به شیخ زاهد و شیخ صفی‌الدین از جانب مرشد و برشان به وضوح آشکار است.

در مختصر شیخ زاهد، کار کردن امری ممدوح و گدایی و بیکاری مذموم است. عرفان شیخ زاهد در چالش با ریودادی و زهدی زندگی، توانایی خود را در اداره زندگی سالم و حیات طیبه نشان داد. شیخ زاهد و مریدان او گوشه نشین کنج زاویه‌ها، غارها یا کوهها نبودند، بلکه با حضور مستمر و مؤثر در متن زندگی اجتماعی توده مردم، همچون آنها غالباً روزها به کشاورزی و شپها به خلوت، دعا، ذکر، مراقبه و تهجد در زادگاه می‌رسیدند. مریدان کار کرده حین فعالیت‌های روزانه پیوسته دل‌هایشان به ذکر قلبی مشغول بود. روش تربیتی شیخ زاهد برخلاف روش مرتاضان، بودایی‌ها و راهبان مسیحی؛ مبتنی بر تعالیم قرآن حکم است. نبوی و عترت مصطفوی بود و همگان را به جمع بین دنیا و آخرت با یاد خدا فرامی‌خواند.

در مشرب شیخ زاهد که بر متهاج طریقت سهروردیه است، سخاو و عطا فضیلتی بس عظیم است. رضا به قضای الهی، صبر بر بلا و شکر نعمت‌ها بر همه سالکان واجب است و بر اثبات کرامات اولیاءالله اجماع دارد. از منظر شیخ زاهد، تفاوت معجزه و کرامات آن است که اظهار معجزه و تحدی بر آن بر پیامبر(ص) واجب بود، اما بر ولی واجب است کرامات را پدیدار دارد، مگر آن مقدار از آن که حضرت عزت جل جلاله ظاهر گرداند. کرامات اولیاءالله بر برکات سفره ولایت علوی و فروع مشعل حکمت خالده و برکات معجزات نبوی است. سماع برای اهل حقیقت، سنت و برای اهل فرمان و پرهیزگاری و اصحاب نفوس و حظوظ، مکروه است. هر سماعی که بنده را به حضرت خدای تعالی اتصال دهد، مباح است.

در طریقت سهروردیه که شیخ زاهد بدان تعلق داشته، تصوف با توجه به مقام وجودی و معنوی مخاطب تعریف شده است. برای صاحبان احوال متوسط، واصلان به حقیقت و همچنین برای مبتدیان

گفته‌اند: آغاز تصوف علم، میان آن عمل و آخر آن موهبت است که با کشف علم مراد، یاری طلب کند و به کمال امیدها موهبت برساند. اهل تصوف سه طبقه‌اند: مرید، طالب است، متوسط، رونده است و منتهی، رسیده است. مرید، صاحب وقت است. متوسط، صاحب حال است و منتهی، صاحب نفس است. از این رو مقام مرید؛ مجاهدت، چشیدن تلخی‌ها و دوری از حظوظ نفسانی است. مقام متوسط؛ برنشتن در طلب مراد، مراعات صدق در جمله احوال و رعایت ادب در مقامات است. مقام منتهی، صحو و تمکین و خوردن منتهی همچون گرسنگی و خوابش همانند بیداری است. ظاهر منتهی با خلق و باطن او با حق است.

از منظر شیخ زاهد در ظاهر دارد و باطنی و هر دو ساحت دین، ادب و آداب‌ی دارند که سالک باید بر اساس آداب شریعت و طریقت آنها را رعایت کند، زیرا همه تصوف، ادب است. لذا هر وقتی را ادبی، هر حالی را ادبی و هر مقامی را ادبی خاص است. هر کس ملازم ادب شود، به مقام مردان می‌رسد و هر که از ادب دور شود از جمیع خیرات دور می‌گردد. ادب، مهتر درویشان است. آداب اهل دنیا، رعایت نظم و نسق حاکم است. ادب اهل دین؛ ریاضت نفس، نگاه داشتن حدود و مسارعت در خیر است. ادب خاصان اهل دین که سالک طریقت حضرت محبوب‌اند، نگاه داشتن دل‌ها در جهت طریق الهی در نهان و آشکار است.

به اعتقاد شیخ زاهد تصوف، اخلاق خوش با خلق و خلی حق است. خلق صوفی؛ یردباری، فروتنی، نصیحت، شفقت، احسان، مدارا، ایثار، خدمت، انصاف، پشیمانی، کرامت، فتوت، مروّت، مودّت، سخا، عفو، وفا، حیا، گشاده‌رویی، خوش‌زبانی، حفظ حرمت برادران، برگزیدگان و مشایخ و رحمت بر صغیر و کبیر است.

در تصوف؛ روش‌ها گوناگون است، اما مقصود یکی است. روش‌های مختلف نیز به خاطر اختلاف حال قاصدان و مقامات روندگان است. گاه سالکی با طی کردن طریق ریاضت و رنج در مخالفت با تمناهای نفس، نفس را مقهور کرده چه بسا راه عزلت در پیش گرفته، از مجالست با مردم دوری می‌گیرند، پیوسته در سفر است و از شهرها غریب می‌جوید تا کسی او را نشناسد. گاه سالکی پیوسته در خدمت است، به برادران جاه می‌بخشد، به دل آنها برکت می‌رساند و چه بسا همواره در مجاهدت باشد و سختی‌ها بکشد. گاه سالکی جاه خود را نزد خلق ویران می‌کند و با عدم التفات به

آنها، با خیر و شر آنها کاری ندارد و چه بسا طریق عجز و انکسار در پیش می گیرد. گاه نیز سالکی پیوسته به تعلیم، مجالست با علما و حفظ علوم روزگار می گذراند.

منش شیخ زاهد و مریدان او ذکر، خلوت نشینی، مراقبه و سیر و سلوک به جانب مبدأ اعلی بود. احوالات سالک، معامله دل او با خداوند است. آنچه به دل فرود آید، از صفای ذکر است که اسماء الله الحسنى است. شیوه شیخ زاهد و مریدان، خلوت نشینی و مراقبه بود. سالک علاوه بر اهتمام به مطابقت رفتار خویش طبق رضای حق تعالی در طول زندگی، باید ساعتی را در شب به مراقبه خاص با حضرت حق و ارتباط گیری معنوی با عالم لاهوت اختصاص دهد که در طریقت صغویه به «مراقبه بر الله» مشهور است. چنان که شیخ زاهد خطاب به شیخ صفی الدین اردبیلی می فرمود: «مطر کرم اولیاء الله از آثار عطر محمدی (ص) است که از خلوت با خداوند کسب کرده اند.»

در مشرب شیخ زاهد، عارف از طریق ذکر و مراقبه می تواند به مکاشفه، آگاهی از عوالم بالا و معرفت الله نائل آید. در این حالت صریحی با ایجاد ارتباط خاص وجودی از طریق دل خویش با عالم هستی و ورود بی واسطه حکمتی نوین از بین و حقیقت هستی بر دلش از حقیقت جهان کشف حجاب می کند. در این دانش شهودی، حضری، بی واسطه و برتر و شریف تر از هر علم حصولی، کشفیات قلبی عارف حجت او هستند. بیان این کشفیات قلبی فتوحات معنوی و نزول های آسمانی در قالب تنگ زبان ناسونی به غایت مشکل و امکان فهم آن برای کسی که خودش تجربه نکرده، بسی دشوار است.

از جمله وجوه تمایز منش شیخ زاهد گیلانی آن بود که همچون بسیاری از اولیاء الله سلف خویش، میراث تصوف را از طریق شفاهی منتقل نمود و این شیوه در طریقت صغویه نیز به عنوان وارثان بر حق شیخ ادامه یافت. در واقع علاوه بر اولیای مستور، اکثر اولیای مکشوف نظیر حسن بصری، مالک دینار، محمد بن واسع، حبیب عجمی، رابعه عدویه، فضیل عیاض، ابراهیم بن ادهم، بشر حافی، ذوالنون مصری، بایزید بسطامی، سقیان ثوری، شفیق بلخی، داود طایبی، معروف کرخی، سری سقطی و شیخ الطایفه جنید بغدادی (رحمة الله علیهم) نیز از قلم زدن پرهیز داشتند و القای میراث تصوف را با نفس شیخ و تلقین پیر امکان پذیر می دانستند و می دانند. از منظر نوشتاری امثال

محمی الدین، ابوالنجیب سهروردی و شیخ شهاب الدین سهروردی در اقلیت شبکه الهی سپاه قدسی اولیاء الله قرار دارند.

شیخ زاهد حکیم و عارفی سنت گرا بود که حفظ سنت سلف صالح را رمز تعالی و ترقی سالکان می دانست و می فرمود: «هر چه بزرگان کنند بر جاده و طریق سنت نبوی است. اگر می خواهید به چیزی برسید به سنت بزرگان عمل کنید.» از احوالات شیخ زاهد و استادش چنین بر می آید که آنها معتقد بودند: «شریت از هیچ کس زایل نمی گردد، هر چند بر هوا رود. جز آن که بشریت گاه ضعیف و شاهزادی می شود. خداوند، غنی بالذات و ولی بنده مخلوق و فقیر بالذات است.»

برخی از ناآگاهان از تاریخ و عرف، از شیخ زاهد به عنوان بانی طریقت زاهدیه یاد کرده اند در حالی که به گواهی عموم کتب و بر تاریخ تصوف پس از قرن هفتم نظیر «نفحات الانس» جامی و «طرائق الحقایق» معصوم علی شاه، شیخ زاهد در عصر خویش چهره شامخ طریقت سهروردیه بود و طریقت جدیدی به نام طریقت زاهدیه تأسیس نکرد. البته حضرت شیخ زاهد گیلانی حلقه مقدس وصل طریقت صفویه به طریقت سهروردیه است، زیرا مرید و شاگرد خلف و صالح او حضرت شیخ صفی الدین اردبیلی، مؤسس «طریقت علویه» است. مریدان طریقت صفویه تا امروز نیز در دعاها و خویشتن و قنوت نماز و تر از شیخ زاهد به بزرگی یاد می کنند و او را همچون جنید بغدادی از جمله چهل مؤمن صالح می دانند.

میراث معنوی شیخ زاهد گیلانی به واسطه طریقت صفویه همچنان بین مسلمانان زنده است و به حیات معنوی خود ادامه می دهد. طریقت صفویه، وارث معنوی شیخ زاهد گیلانی است و کلیه رهبران طریقت صفویه از سیدصدرالدین فرزند شیخ صفی الدین تا العاشق بابا نوادگان و تری شیخ زاهد گیلانی هستند. زیرا بی بی فاطمه فرزند شیخ زاهد به همسری شیخ صفی الدین درآمد و از این پیوند مبارک، سیدصدرالدین پای به عرصه وجود نهاد که عموم پیران طریقت صفویه از فرزندان او هستند.

کتاب «زاهدنامه» سیر اندیشه و احوالات شیخ زاهد گیلانی» اثر تحقیقی مهوش السادات علوی عرفان پژوه معاصر، با تکیه بر منابع کهن تاریخ و ادبیات عرفانی، گامی نو در معرفی شخصیت نورانی

شیخ زاهد گیلانی به نسل امروز، با قلم امروزیین است. این کتاب می تواند نقش سازنده ای در معرفی عرفان و تصوف اسلامی به وجه عموم و تصوف خطه گیلان و آذربایجان به خصوص ایفا کند. از دیگر سو این کتاب پیوستگی و استمرار حکمت خالده و نور الهی را از طریق تعالیم قدسی اولیای الهی به تصویر کشیده؛ تعالیمی که بسیاری از مطالب عمده آن سینه به سینه از طریق اولیاء الله انتقال یافته، اما در هر برهه از تاریخ افرادی با عنایت الهی برخی از ابعاد این تعالیم را مکتوب کرده اند.

الاحقر الفقرا خاک بوس آستان اولیاء الله - سید سلیمان صفوی

رمضان المبارک ۱۳۹۴ - لندن

www.ketab.ir

پیش در آمد

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

«رسول اکرم (صلوات الله علیه و آله) می فرمایند: «عَلَّمَ امَّتِي كِتَابِيَاءَ بَنِي إِسْرَائِيلَ»^۱ انبیای بنی اسرائیل یکی پس از دیگری آمدند و خلق را به حق دعوت کردند. و شما این طریق حق نیز در این ملت، یکی پس از دیگری آمدند و به ارشاد و دعوت حق مشغول شدند و مجله دین کردند. پیامبر (ص) فرمودند: «إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَبْعَثُ فِي هَذِهِ الْأُمَّةِ عَلَى رَأْسِ كُلِّ مِائَةٍ مَن يَجِدُ لَهَا يَتِيًّا»^۲ این وعده الهی تحقق یافت. بر اساس این وعده صدق، هر صد سال یک نفر به امر مهم دین گشایی، راهنمایی خلق قیام نمود و باب دعوت حق را بر خلق گشود. این فرد در علوم معنوی و معارف باطنی و یا در علوم ظاهری دارای حکم مطلق بود. به فرموده اصحاب حدیث، این افراد از زهاد و مشایخ طریقت و حقیقت و افتخار عترت «آل طه» و «یس» بوده اند. امام جعفر صادق (ع) در صد سال اول، ابوالفیض

۱. علمای امت من شبیه انبیای بنی اسرائیل هستند.

۲. حدیث نبوی در سنن ابن داود: حق تعالی در پایان هر صد سال، یکی از بندگان برگزیده خود را به عنوان مجلّد دین خود برمی گزیند تا این دین حنیف را تجدید کند.

ذوالنون مصری در صد سال دوم، ابوالقاسم جنید بن محمد در صد سال سوم، شیخ ابوعلی دقاق در صد سال چهارم و شیخ نصر بن ابراهیم زاهد مقدسی در صد سال پنجم این مهم را به انجام رساندند. هر یک از این مشایخ، پادشاه کل عالم و ماه آسمان دل بوده‌اند.

هر یکی بر تخت ملک دل به شاهی بوده‌اند رهنمای خلق از مه به ماهی بوده‌اند
هر یکی در برج دین خورشید و ماهی بوده‌اند زان که بر اوج صفا نور الهی بوده‌اند

بر اساس قاعد و ضوابط ارباب حدیث، از مشایخ مکمل صاحب ارشاد در صد سال هفتم شیخ کبیر ابراهیم زاهد گیلانی، قدس الله روحه به این مهم پرداخت و درخشش آثار او در ارشاد معانی و تربیت عابدان، همچون طلوع صبح صادق بر سراسر عالم استیلا یافت و جهان ظلمت گرفته را به نور تربیت و ارشاد خویش بینت نمود و زنگار انکار را از سرشت مردمان آن روزگار زدود. از تربیت شیخ زاهد گیلانی قدس الله روحه آغاز عالم گیر ارشاد و تربیت، شیخ صفی‌الدین اردبیلی در عالم اسلام تابان گردید.

آن که در راه هدی نور رخسار و رخسار و ان که بر مسند دل شاه نشان سلطان بود
هر که از چشمه او آب حیاتی نوشید غم‌آسا به جهان زنده جاویدان بود

شیخ تاج‌الدین ابراهیم بن روشن‌امیر بن بابل بن شیخ عبدالحسین سنجانی تا هفت جدش شیخ و شیخ‌زاده بودند. جد هفتم او مرید ابن‌الاشج بود و اجداد او بنی‌اسحاق جد، پیر و عابد بودند.^۱ شیخ زاهد گیلانی خرقه توبه و تربیت را از سید جمال‌الدین و او از شیخ بهاء‌الدین محمود تبریزی و او از رکن‌الدین سجاسی و او از قطب‌الدین ابوبکر ابهری و او از ابونجیب شهر ردی و او از عم خود قاضی وجیه‌الدین عمر بکری و او از پدرش محمد بکری و او از احمد اسود دینوری و او از مشاد دینوری و او از ابوالقاسم جنید بن محمد بغدادی و او از سری بن مغلس سقطی و او از ابومحفوظ معروف کرخی و او از حضرت سلطان‌الاولیاء و برهان‌الانقیاء، سلطان ابوالحسن علی ابن

۱. مطالب مربوط به سیر احوالات و اندیشه‌های شیخ صفی‌الدین اردبیلی و اجداد و فرزندان شیخ قدس الله سره بر گرفته از: درویش توکلی بن اسماعیل (ابن‌بزاز اردبیلی)؛ نسخه خطی صفوة الصفا (نسخه دیوان هند، به شماره ۱۰۹۸، تحریر سال ۷۵۹ ه.ق) قلم شماره ۲۵۶۳ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران.

موسی‌الرضا(ع) و آن حضرت از امام موسی‌کاظم(ع) و آن حضرت از امام جعفر صادق(ع) و آن حضرت از امام محمد باقر(ع) و آن حضرت از امام علی بن الحسین زین‌العابدین(ع) و آن حضرت از سیدالشهداء امام ابوعبدالله‌الحسین(ع) و آن حضرت از امام حسن مجتبی(ع) و آن حضرت از جوهره‌القدسیه فاطمه‌الزهراس(س) و عروه شریعت و مظهر أعلام حقیقت و ناصب‌الاسلام حقیقت، صاحب تمکین سریر نصرت خدایی و مالک تاج سلطنت پیشوایی و رهنمایی، امیرالمؤمنین علی بن ابی‌طالب(ع) و ایشان از حضرت نبوت و کمال رسالت، محرم حرم «دنا قَسَمَتَکَی، فَکَانَ قَابَ قَوْسَینِ أَوْ أَدْنَى» (نجم: ۹۸) «سَمَدَنَشِینِ» «سُبْحَانَ الَّذِیْ أَسْرَى» (اسراء: ۱) خاتم‌النبین محمد مصطفی(ص) و ایشان از امیر وحی ربّانی و موصل کتاب آسمانی و مُبلّغ منشور سبحانی؛ جبرئیل امین(س) و ایشان از حضرت عزّت عثمانیه و سلطانۀ دریافت کردند.^۳

«در این اسناد و شجره، چنانچه به وجود دارد که به حسب خرقه و توبه و تربیت و صحبت منشعب می‌شود. ابونجیب سهروردی خرقه و تربیت را از عموی خود قاضی وجیه‌الدین عمر بکری و او بر حسب صحبت از امام محمد غزالی و او از ابوبکر نساج و او از ابوعلی فارمدی و او از ابوالقاسم گرگانی و او از سعید بن سلام ابوعثمان مغربی و او از ابوعمر و زجاجی و او از هادی جنید بغدادی و محمد بکری به حسب تربیت و صحبت از احمد اسود دینوری و بر حسب توبه و خرقه از اخئی فرج زنجان‌ی و او از ابوالعباس نهان‌دلی و او از ابوعبدالله خفیه و او از ابومحمد رویم و او از ابوالقاسم جنید بغدادی و او بر سیاق مذکور تا حضرت رسالت محمد مصطفی(ص) کسب کرده و هر یک از

۱. نزدیک آمد و بر او نازل گردید. با او به قدر دو کمان یا نزدیک‌تر از آن شد.

۲. پاک و منزّه است خدایی که سیر داد.

۳. نفیسی، سعید، مجله فرهنگ، سال چهارم، شماره ۱، فروردین ۱۳۰۷، ص ۶ - درویش توکلی بن اسماعیل (ابن‌یزاز اردبیلی)، نسخه خطی صفوة‌الصفا (نسخه دیوان هند، به شماره ۱۰۹۸، تحریر سال ۷۵۹ ه.ق) قلم شماره ۲۵۶۳ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران.

آنها اصحاب خویش را بر طریق روشن و صراط مستقیم این دین استوار و پایدار ارشاد کردند.^۱
 «وَلْيَكُنْ لِلدِّينِ هَدًى اللَّهُ قَبْلَهُمْ آمَنَهُ» (انعام: ۹۰)^۲

«در نسخه‌ای از صفوة‌الصفاء بین احمد دینوری و ابوالقاسم جنید بن محمد بغدادی اسامی پنج نفر دیگر از مشایخ بدین ترتیب ذکر شده است: ... و شیخ احمد غزالی از شیخ ابوبکر النساج و او از ابوعلی فارمدی و او از ابوالقاسم کرگانی و او از سعید بن سلم ابوعثمان مغربی و او از ابو عمرو زجاجی»^۳

معصوم‌الملک مؤلف شریف کتاب گران سنگ «طرایق الحقایق» در باب خرقه معنوی شیخ زاهد گیلانی می‌گوید: «شیخ زاهد بدون واسطه، از شمس‌الدین محمد تبریزی خرقه گرفته و احتمالاً در زمان خود قطب سلسله سهروردیه بوده است. چنان که شیخ سعیدالدین فرغانی در «طرایق الحقایق» در باب «ذکر شعب سلسله سهروردیه» گوید: نسبت تلقین ذکر این فقیر از شیخ خرقه خود، شیخ نجیب‌الدین علی بُزْغَشْ تلقین گفته و او از شهاب‌الدین سهروردی و او از عموی خود شیخ ابوالنجیب سهروردی و او از شیخ احمد غزالی و او از شیخ ابوبکر نساج و او از شیخ ابوالقاسم کرگانی و او از ابوعثمان مغربی و او از ابوعلی رودباری و او از سیدالطایفه جنید، از شیخ ابوالنجیب عبدالقاهر سهروردی، چهار رشته جاری و متصل شده است»

شعبه اول سهروردیه: از عمار یاسر اندلسی است که سلسله شیرویه به ایشان منتهی می‌گردد.

شعبه دوم سهروردیه: شیخ قطب‌الدین الابهری و بعد از او شیخ رکن‌الدین سجاسی است. از او دو بزرگوار تکمیل یافته‌اند: یکی از آن دو شیخ اوحدالدین حامد کرمانی است که شیخ رکن‌الدین در باب هشتم «فتوحات» و بعضی از رسائل دیگر از او حکایت کرده است. جماعتی از جمله شیخ اوحدی

۱. درویش توکلی بن اسماعیل (ابن بزاز اردبیلی)، نسخه خطی صفوة‌الصفاء (نسخه دیوان هندی، به شماره ۱۰۹۸، تحریر سال ۷۵۹ ه.ق)، فیلم شماره ۲۵۶۳ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران.

۲. آنها کسانی بودند که خدا هدایتشان نمود، تو نیز از راه آنها پیروی کن.

۳. درویش توکلی بن اسماعیل (ابن بزاز اردبیلی)، صفوة‌الصفاء، مقدمه و تصحیح: غلامرضا طباطبایی مجد، انتشارات زریاب، چاپ دوم تهران، ۱۳۷۶، ص ۱۲۰۳.

مراغه‌ای مشهور به اصفهانی نیز به اوحدالدین دست ارادت داده‌اند. این نسبت هم بر آن مبتنی است. دیگری شیخ صدرالدین علی یمنی است. نورالدین جامی مؤلف «تفحات الانس» می‌نویسد: امیر سید قاسم تبریزی در اوایل به شیخ صدرالدین اردبیلی ارادت داشته و پس از آن به صحبت شیخ صدرالدین علی یمنی رسیده است. یکی از افرادی که در خدمت شیخ رکن‌الدین تکمیل یافته، شیخ شهاب‌الدین اهری تبریزی بوده است. سپس شیخ جمال‌الدین تبریزی، شیخ تاج‌الدین ابراهیم زاهد گیلانی، شیخ صفی‌الدین اردبیلی، شیخ صدرالدین اردبیلی و امیر سید قاسم تبریزی معروف به شاه قاسم از تباری رده که به شیخ صدرالدین ارادت داشته و رابطه معنوی داشته‌اند. سلسله صفویه از شیخ صفی‌الدین اردبیلی قدس‌الله سره منشاء گرفته است.

شعبه سوم سهروردیه: از شیخ ابوالنجیب عبدالقاهر به شیخ شهاب‌الدین عمر سهروردی رسیده و از ایشان جمعی تکمیل یافته‌اند: شیخ شمس‌الدین صفی، شیخ عمادالدین احمد فرزند شهاب‌الدین، شیخ مصلح بن عبدالله سعدی شیرازی و شیخ احمد یسوی که شیخ محمود شروانی از او و شیخ ابوالعلا احمد بن محمود یزدی از او وابسته کرده‌اند. یکی از مشایخ بزرگ شیخ شهاب‌الدین، شیخ نجیب‌الدین علی بن بُزْغَش شیرازی است. کسانی که از او به کمال رسیده‌اند: خلف‌الصدق او ظهیرالدین عبدالرحمان، شیخ سعیدالدین فرغانی، خواجہ امام‌الدین محمد و شیخ نورالدین عبدالصمد نظری است. سلسله پیر جمال‌الدین (سلسله پیر حلیه) به خواجہ امام‌الدین می‌رسد.

شعبه چهارم سهروردیه: از شیخ نورالدین عبدالصمد نظری فیض یافته‌اند: شیخ رکن‌الدین عبدالرزاق کاشانی، شیخ عزالدین محمود کاشانی، شیخ نجم‌الدین محمد اصفهانی و شیخ حسام‌الدین شوشتی. از شیخ نجم‌الدین و شیخ حسام‌الدین به شیخ جمال‌الدین و از او به شیخ نورالدین عبدالرحمان مصری و از او به شیخ زین‌الدین ابوبکر خوافی رسیده است، که درویش احمد سمرقندی از خلفای اوست.^۱

مهوش السادات علوی

۱. شیرازی، محمد معصوم (معصوم علیشاه)، طرایق الحقائق (۳ جلد)، تصحیح: محمد جعفر محجوب، جلد دوم، انتشارات